



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عهده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



2017/12/28



کاندید اکادمیسین سیستانی

## بمناسبت 29 مین سال نشراتی دعوت میدیا بمدیریت طارق بزگر

محمد طارق بزگر، یکی از نخبه گان فعال اطلاعات جمعی درخارج از افغانستان است که قریب سی سال از بهترین ایام عمر خود را (1989-2017)، در راه تنویر افکار و اذهان هموطنان خود با نشر مجله دعوت و سایت دعوت میدیا، صرف کرده است.



30 سال کار مطبوعاتی و آگاهی رسانی بلا توقف و بدون مزد، در توان هیچکدام از ما همکاران قلمی آقای بزگر نیست.

آقای بزگر، چرا این همه وقت و انرژی و توان جسمی و مادی و معنوی خود را در این راه صرف کرده است؟ آیا علت این همه سعی و تلاش و ابخاطر کسب مقام و جاه دولتی بوده است؟ نه خیر. من فکر میکنم که علتش همانا عشق بیکران بکشورش افغانستان و مردم و زبان و فرهنگش بوده است. عشق و محبتی را که من در وجود این شخصیت خوش برخورد و مؤدب و صبور و بردبار نسبت به افغانستان درک کرده ام، کمتر از عشق و علاقه ای نیست که اعلیحضرت امان الله خان برای تعالی و ترقی کشور خود داشت.

سیستانی و طارق بزگر در ناروی ۲۰۰۷

دانشمندان جامعه شناسی در مورد عوامل پدیدآورنده شخصیت انسان میگویند: «شخصیت ساخته وراثت و محیط زیست اوست.» یعنی انسان با خصوصیات ژنتیکی خاصی به دنیا می آید، و پس از آن سر و کارش با محیط اجتماعی اطراف اوست. محیط اطراف، عبارت از خانواده، همسایگان یا اهل روستا، مهد کودک و مکتب، و بالاخره جامعه است که نقش مهمی در شکل دهی شخصیت انسان دارد.

انسان از محیطی که در آن بزرگ شده است، خواهی نخواهی تاثیر می پذیرد، اگر از اطرافیان خود محبت دیده باشد، با دیگران با محبت رفتار میکند و اگر خشونت دیده باشد، طبعاً خشن بار می آید و با دیگران از در خشونت پیش خواهد آمد. اما ذکاوت و خلاقیت و ابتکار از وراثت

انسان سرچشمه میگیرد. به همین جهت است که انسانهای یک جامعه، همه دارای عین قابلیت و استعداد و خلاقیت نیستند و هر کدام شان، دارای مختصات و ویژه گی های منحصر به خود اند که با همان ویژه گیها از یک دیگر متمایز میگردند.

تا زمانی که انسان، در عرصه زندگی و کار و فعالیت از خود مهارت و لیاقتی تبارز نداده باشد، نمیتوان در موردش، نظری مشخصی ارائه کرد. فقط در روند کار و در پراتیک زندگی است که ظرفیت انسان و توانائی هایش متبارز میگردد و دیگران را تحت تاثیر خود قرار میدهد و حسن نظر یا سوء نظر اطرافیان را نسبت به خود برمی انگیزاند.

مثلاً: انسانها با تبارز قابلیت های خاصی در عرصه های سیاسی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی، فلسفی، یا هنری از خود آثاری (چون: کتاب، مقاله، رساله، یا یک اثر هنری از قبیل: آهنگ های موسیقی، مجسمه یا تابلوی نقاشی) برجای میگذارند و بخاطر آفریده های خویش، در جامعه متبارز میگردند و صاحب نام و شهرتی میگردند. شناختن چنین آدمهایی کاری مشکل نیست و میتوان از روی آثار شان، به طرز تفکر و ایده ها و نیات و پیام شان پی برد و آنان را برای نسل های جوان حال و آینده جامعه معرفی نمود. جوانان نیز علاقمند اند تا از کرکتر و کارنامه آدمهای موفق، برجسته و خلاق تاسی بجویند و شخصیت خود را تکامل ببخشند. طبعاً این احساس آنها را بسوی تلاش برای طی کردن پله های ترقی و تعالی و کسب درجات علمی بالاتر و زندگی آبرومند و فارغ از کژی و نادرستی تشویق میکند.

آنها که در ابراز لیاقت، خلاقیت، درایت، کسب علم و فضیلت، راستی و درستی و وطن دوستی از آزمون زمان موفقانه عبور کرده باشند، نخبه گانی استند که مایه افتخار و سرمشق دیگران میگردند و همواره الگوی راستی و درستی و انسان دوستی پنداشته می شوند. اما انسانهای که فاقد استعداد و ذکاوت و خلاقیت و لیاقت استند، معمولاً به ریا کاری و تملق و چاپلوسی و دروغ متوسل میشوند، و معلومدار افراد زیون، ابرچونست و ابن الوقتی اند که بخاطر حفظ یا کسب منافع شخصی، سر و گردن خم میکنند و برای جلب توجه ارباب قدرت حاضراند تن به هر پستی بدهند. هریکی از ما در زندگی روزمره خود، با هردو گروه انسانهای خوب و آدمهای بد و پلید روبرو شده ایم. از آدمهای نیکوکار و نیکونام، به نیکی یاد میکنیم و از انسانهای فاسد و استفاده جو و دروغگو اظهار نفرت و انزجار میکنیم.

بزرگ فرزندان دره های سرسبز و کوهساران پوشیده از جنگلات طبیعی و درختان کاج و نشتر ولایت کنر است. گنریکی از ولایات دور افتاده در شمال شرق سلسه کوه های هندوکش واقع شده و دارای مناظر طبیعی زیبا و دره های پرجاذبه و دلکش است. در این دره ها، رودهای سرمست و پیرآب با آبشارهای زیبا و دلانگیز از میان سنگلاخها جریان دارد که مایه حیات انسان و حیوان و نبات منطقه است.

جناب بزرگ، در یک چنین فضای ازاد و خوش آب و هوا، در یک خانواده منور و تحصیل کرده و صاحب قلم پشتون با قابلیت و استعداد خلاقیت و سرشار از حب وطن دوستی بدنیا آمد، و از عطوفت والدین و برادران و خواهران خود، محبت و صفا و صمیمیت دید و راستی و صداقت شنید و بتدریج بزرگ و بزرگتر شد تا به مکتب رفت و از معلم و استادش نیز درس آزادگی و صداقت و محبت به وطن را همانگونه که در خانواده شنیده بود، به تکرار شنید و آموخت. بزرگ وقتی قدم بسن جوانی گذاشت و نزدیک بود صنف یازدهم لیسه نادریه کابل راتمام کند و بقیه پله های تحصیل را در وطنش طی کند، ولی متاسفانه که تجاوز اتحاد شوروی برکشورش، او را از آغوش مادر وطن به دور ساخت. او در سال 1980 مثل هزاران تن دیگر راه مهاجرت در پیش گرفت و از کابل به پیشاور پاکستان رفت. در

آنجا دروسش را ادامه داد و در رشته علوم سیاسی و اسلام از پوهنتون اسلامی پیشاور لیسانس گرفت و در حالی که 21 یا 22 سال عمر داشت، به کشور ناروی پناهنده شد.



تصویری از رودخانه خروشان کونر

بزرگ، در سال 1988 در کشور ناروی بحیث یک مهاجر افغانستان از حمایت های اجتماعی و فرهنگی کشور ناروی برخوردار گردید، و در رشته کمپیوتر و میدیا و کمونیکیشن (مطبوعات و ارتباطات) به تحصیل پرداخت. او در عرصه ژورنالیزم انترنتی نیز در اسلو آموزش دید و در تلویزیون دولتی اسلو مدتی کار کرد و سپس به انگلستان رفت و رشته ژورنالیزم را بیشتر تقویت کرد. آقای بزرگ در پهلوی درس و تحصیل خود در ناروی، در صدد برآمد تا به مردم افغانستان از یک طریق سالم خدمتی انجام دهد. چون علاوه بر ذوق و علاقه به مطبوعات و رسانه های جمعی، خود را با دانش و تیوری این رشته از علوم انسانی مجهز کرده بود، در دسامبر سال 1989 دست به نشر یک مجله ماهانه بنام دعوت زد. بزرگ خود گفته است که کار نشراتی مجله دعوت را در اوج مشکلات، با امکانات اندکی از طریق نوشتن با دست خود آغاز کرد و پس از نشر مجله، خود را مجبور دید تا آن را برای هموطنان نزدیک خود ابتدا در کشورهای ناروی و سویدن و دنمارک توزیع نماید و مصارف پستی را هم از جیب خود بپردازد. بتدریج علاقمندان دعوت در کشورهای دیگر اروپائی و امریکایی بیشتر میشوند و او خود را مکلف می بیند تا دعوت را که حاوی اطلاعات و آگاهی ضروری سیاسی و اجتماعی و ادبی بود، به بیش از پنجاه و پنج کشور اروپائی و آسیائی و امریکائی برای افغانان برساند. با رواج انترنت و میدیای برقی، در نیمه دوم دهه 90 قرن بیستم، آقای بزرگ کار بروز رسانی سایت دعوت میدیا را به زبان های پشتو و دری و انگلیسی و نارویجی با صداقت و وطن پرستانه به مردم افغانستان ارائه کرده است.

آقای بزرگ بدون وابستگی به سازمان سیاسی خاصی، با دیدگاه فراخ هرگونه نظریات مخالف و موافق را مجال نشر و امکان تبارز میدهد، به همین لحاظ او مورد احترام همه افغانان و بخصوص همکاران قلمی و مطبوعاتی خود قرار دارد و با خلق خوش و کرکتر عالی ای که از تربیت خانوادگی خود به ارث برده است، همه را گرویده شخصیت متین و با وقار خود ساخته است.

اینک از خدمات فرهنگی او به حیث مدیرمسئول دعوت میدیا 29 سال میگذرد. او در این مدت

بطورخستگی ناپذیری در راه بیداری و تنویر اذهان و شعور جوانان کشور، نقش روشنگرانه خود را منحصیث یک افغان و طندوست و خدمتگزار افغانستان به نحو خیلی تحسین برانگیزانجام داده و میدهد.

این همه پشت کار و صرف وقت و انرژی، بدون تردید، ناشی از عشق عمیق او نسبت به مردم کشور و آگاهی دادن به مردمی است که خودش از میان آنها بیرون آمده است. از این جهت جناب بزگر صاحب دین بزرگی برگردن ما افغانها دارد. بنابراین من این خدمات معنوی و با ارزش آقای بزگر را قابل تقدیر و ستایش میدانم و برای سرفرازی این شخصیت برازنده و یکی از فرهنگیان نخبه کشور عمر طولانی و توفیق مزید از خدا آرزو میکنم.

پایان 2017 / 10 / 1